

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۴۱

معرفی نسخه خطی بینش کشمیری و تحلیل آثار و اشعار او

(ص ۱ - ۲۰)

دکتر زهرا اختیاری (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> - سهیلا مرادقلی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پائیز ۱۳۹۶

### چکیده

بینش کشمیری از شاعران فارسی زبان دوران شکوفایی زبان و ادبیات فارسی در منطقه شبه قاره است که آثار گرانسنگی از او به یادگار مانده و تا کنون دربارهٔ مختصات آثار وی، اطلاعاتی علمی ارائه نشده است. از آنجا که تفاوت‌های فردی، مشخصه‌های فرهنگی و عناصر شخصی یک متن را با روش‌های سبک‌شناسی میتوان بررسی کرد؛ لذا ضمن معرفی شاعر و آثار او، شعر وی به لحاظ زبانی، فکری و ادبی بررسی شده و طرز نویسندگی، نظام فکری و پسندهای فرهنگی و اجتماعی عهد او، آشکار گردید؛ در نتیجه تبیین شد که بینش کشمیری شاعری صاحب سبک است؛ اما ناشناخته. اشعار او نشان از تسلط و ورزیدگی شاعر در هماهنگی میان قالب و محتوا است و شعرش چه به جهت زبانی رسا و فصیح و چه از لحاظ ساختمان و شکل درونی و چه از حیث موسیقی و تخیل، میتواند او را در ردیف شاعران سرآمد و نام‌آور شعر سبک هندی قرار دهد. روش پژوهش در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و براساس شیوهٔ توصیفی و تحلیلی از نسخه‌های خطی بینش کشمیری است.

**کلمات کلیدی:** بینش کشمیری، سبک‌شناسی، مختصات زبانی، فکری، ادبی.

<sup>۱</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد (ekhtiari@um.ac.ir)

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (S.moradgholi@stu.um.ac.ir)

### ۱- مقدمه

زبان فارسی در شبه قاره در دوره ای مدید (دوران دویست و پنجاه ساله صفویان و بابرین) زبان رسمی آن سرزمین بوده و اکنون نیز ریشه و تار و پود زبان اصلی سرزمین شبه قاره، همین زبان باصلاطت و فصیح فارسی بوده است. از آنجا که ادبیات فارسی یکی از دوران مهم تحول خود را در شبه قاره و سرزمین هند سپری کرده؛ تا جایی که دربار ادب پرور و ادب نواز پادشاهان تیموری را آبرو و اعتبار بخشیده؛ اما حق و جایگاه آنانی که تلاش کرده و آثار گرانشنگی به نظم و نثر به یادگار گذاشته‌اند، به درستی ادا نشده و متاسفانه هنوز نامی از آنان حتی در تاریخ ادبیات‌هایمان ذکر نشده؛ بنابراین معرفی بینش و دیوان تصحیح ناشده وی، همچنین مختصات سبکی وی، چه به لحاظ یک متن ادبی و یا مشخص شدن جایگاه شاعر در طبقه بندی آثار شعر فارسی و یا پژوهشی در فرهنگ و تاریخ، سزاوار توجه و اهمیت است

### ۲- پیشینه پژوهش

تا کنون در مورد دیوان اشعار بینش کشمیری (قصاید و غزلیات شاعر) هیچ تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته و آنچه در کتب تاریخ ادبیات، تذکره‌ها و فهرس نسخ خطی در مورد این اثر و مؤلف آن آورده شده، بسیار مختصر است. تنها کتاب مثنوی رشتنه گوهر که یکی از پنج مثنوی بینش کشمیری است، در سال ۱۳۹۲ به کوشش دکتر یوسف اسماعیل‌زاده تصحیح و در نشر رخسار صبح به چاپ رسیده است. کتاب مذکور به صورت کتابچه‌ای کوچک و تنها براساس یک نسخه مثنوی کوتاه رشتنه گوهر بینش کشمیری، بدون هیچ توضیح و تعلیقات، به انجام رسیده و تنها شرح حال مختصری از این شاعر را از کتاب تاریخ ادبیات در ایران دکتر ذبیح‌الله صفا در مقدمه آورده است.

### ۳- زندگینامه شاعر

میر جعفر بیگ متخلص به بینش، شاعر گمنام قرن یازدهم (ه ق) که در محدوده زمانی سبک هندی ظهور کرده است. «اسماعیل، شاعری است ایرانی-هندی که اجداد او از ایران به کشمیر مهاجرت کرده بودند و بینش در آنجا متولد شد. بینش را نباید با شاعر ایرانی قرن دوازدهم که هم عصر سلطان حسین صفایی بوده، اشتباه گرفت» (Catalogue of The Persian Manuscript, PP165-166)

«اگرچه اسلاف او متولد ایران یا به تعبیری ایران‌زا بودند، لیکن به علت بودن در کشمیر که تمام عمر را آنجا به سر برده، به کشمیری مشهور شده، مشق بسیار پخته کرده، در اشعارش تازگی و نازکی بسیار است» (بندر ابن داس، ۲: ۱۳۵-۱۳۶).

نام او در صفحه نخست نسخه خطی موزه بریتانیا، اسمعیل (Catalogue of The Persian Manuscript, pp.569-695) درج شده. سال تولد بینش در هیچ منبعی یافت نشد؛ اما آنچه مسلم است، در اواخر دوره پادشاهی شاه جهان و مقارن با پادشاهی اورنگ‌زیب عالمگیر بوده است. بینش کشمیری پس از تسلط بر علوم مختلف شاعری و اهمیت دادن به آن، سرودن شعر را آغاز می‌کند؛ «آغاز حیاتش با آموختن دانش و ادب و شروع به شاعری در کشمیر گذشت» (تاریخ ادبیات در ایران، ۳/۵، ۱۳۶۸: ۱۳۲۱).

### ۳-۱- مذهب بینش

با آنکه در هیچ منبعی از شیعه و یا سنی بودن بینش، سخن به میان نیامده؛ احتمالاً، وی به مذهب شیعه اعتقاد داشته و از اشعار وی مخصوصاً زمانی که از حضرت علی (ع) سخن به میان آورده، همچنین آنجا که اشعار مدحی در وصف امام رضا(ع) سروده و نیز در برخی، محشر عاشورا را یاد کرده، کاملاً شیعه‌گرایی شاعر مشهود است و با این وصف با تساهل و تسامح در دربار پادشاه وقت، اورنگ‌زیب، به سر برده است؛

گشود قلعه خیر چنان به آسانی      که خم نگشت به دستش هلالوار انگشت  
به روز رزم ز آشوب چین ابرویش      به زینهار برآورده ذوالفقار انگشت  
(۱۸۲- ر)

### ۳-۲- ممدوحان شاعر

احتمالاً بینش در دوره پادشاهی شاه جهان در دربار نبوده، پس اشعاری هم در مدح شاه جهان و درباریان سروده نشده. پس از آنکه اورنگ‌زیب به سلطنت میرسد (۱۱۱۹-۱۰۶۸) مدیحه‌سرایی بینش نیز آغاز می‌گردد.

۱ - تذکره الشعراء، ملا محمد (عرفانی، ۱۳۳۵: ۳۰)، نتایج الافکار، جعفر بیگ (گوپاموی، ۱۳۳۶: ۱۰۹) مخزن الغرائب، ملا محمد جعفر بیگ (هاشمی سندلوی، ۱۹۶۸ م: ۳۸۰) آمده است. همچنین در تذکره تاریخ ادبیات در ایران، نام شاعر، میر جعفر (صفا، ۱۳۷۸: ۱۳۲۱)، صفح ابراهیم، ملا اسماعیل (لیل بنارسی، ۱۳۸۵: ۷۵)، دانشنامه ادب فارسی، میرزا محمد اسماعیل (انوشه، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۶۸)

### ۳-۲-۱- میرزا محمد قاسم کرمانی

«مدیحه سراییهای او مربوط به محمد طاهر صف شکن خان و شخصیت والای پادشاه عالمگیر، اورنگ زیب و میرزا محمد قاسم کرمانی صاحب دیوان کشمیر و میرزا جمشید کاشانی است» (Catalogue of The Persian Manuscript, pp. 164-165)  
«و ملازمت میرزا محمد قاسم کرمانی، صاحب دیوان کشمیر و ستایشگری محمد طاهر صف شکن خان اختیار میکند (نوشه، ۱۳۸۰: ۵۶۸)».

میرزا قاسم که در دیوان عالم نام اوست شهرتی دارد فزون از آفتاب خاوری (۱۹۶-ر)

### ۳-۲-۲- محمد طاهر صف شکن

«در روزگار اورنگ‌زیب به دهلی رفت. برخی سروده‌هایش در ستایش صف شکن خان است. صف شکن خان از همراهان اورنگ‌زیب در لشکرکشی وی به کشمیر در سال ششم پادشاهی-اش بود» (تذکره مغولان در هند: ۱۸۴).

جوهر تیغ شجاعت، گهر بحر عطا صف شکن خان فلک رتبه خورشید ضمیر (۲۰۰-ر)

### ۳-۲-۳- مدح اورنگ زیب

دو مثنوی از بینش، بینش/بصار و گنج روان، به نام اورنگ‌زیب سروده شده است؛ همچنین بینش مثنوی با نام جواهرنامه دارد. این مثنوی در مدح اورنگ زیب است:

به هر منبر همین ذکر خطیب است که عالمگیر شاه اورنگ زیب است (۱۶۸-ر)

### ۳-۳- مرگ شاعر

دقیقاً مشخص نیست بینش در چندسالگی وفات یافته، اما آنچه مسلم است، وی بیش از شصت سال عمر کرده است؛ چرا که در دوره شاه جهان حدود سالهای (۱۰۳۸-۱۰۳۷) تحصیلاتش را به پایان رسانده است و در دوره اورنگ‌زیب (۱۱۱۸-۱۰۶۸) به دهلی سفر کرده است. اورنگ‌زیب خود پنجاه سال بر مسند خلافت نشسته است. «محمدافضل سرخوش در کلمات/الشعر/ که میان سالهای (۱۱۰۸-۱۰۹۳) تألیف میکرد، از بینش چون مردگان سخن میگوید و گوپاموی، وفات بینش را در حدود سال ۱۱۰۰ هجری نوشته است» (۱۳۳۶: ۱۰۹).

در تذکره مخزن الغرائب آمده: «در زمان اکبر پادشاه در آگره به رحمت حق پیوست» (تذکره مخزن الغرائب: ۳۸۰).

#### ۴- معرفی آثار شاعر

اثر بزرگ بینش، کلیات او شامل غزلیات و قصاید و مثنویهای شاعر است. «از کلیات بینش نسخه‌ای به شماره ۷۰۵ Egerton در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است. حدود هفت هزار بیت از مثنوی و غزل و قصیده. بینش، در مثنوی سرایی نیز تبحر داشته و پنج مثنوی به تقلید از خمسه نظامی از وی به جای مانده است؛ به نامهای: بینش ابصار، گنج روان، گلدسته، شور خیال، رشته گوهر. «محمدافضل سرخوش، صاحب کتاب کلمات الشعرا که آن را در میان سالهای ۱۰۹۳-۱۱۰۸ تألیف کرده است، از کلیات بینش نام برده است» (صدیقی، ۱۳۷۷: ۶۸). در فهرست ایرانیکا و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی از یک مثنوی دیگر با نام جواهر نامه یاد کرده اند که به بینش آن را نسبت داده اند. «بینش شش منظومه و یک دیوان از غزلیات و قصاید دارد... ششمین و آخرین منظومه جواهرنامه است که در آن به ستایش اورنگ‌زیب پرداخته و از تبریز و بغداد نیز یاد نموده است (Catalogue of The Persian Manuscript, pp.164-165)

#### ۴-۱- بینش ابصار

بینش ابصار بر وزن مخزن الاسرار به نام اورنگ‌زیب که چنین آغاز میشود:

بسم الله الرحمن الرحيم      گلبن برجسته باغ نعیم  
(کلیات، ۱: پ)

مثنوی «بینش ابصار» در بحر سریع سروده شده و موضوع آن، اخلاق و حکمت است. بینش این مثنوی را ابتدا با حمد باری تعالی آغاز میکند، سپس تمثیلی می‌آورد در چهار بخش که هر کدام با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز میشود. مواردی که در این مثنوی به آن پرداخته شده عبارتند از: مناجات پروردگار، پیامبر(ص) و شب معراج او، برشمردن صفات حق و همچنین صفات مختص به آدمی؛ شامل: عشق، صبر، کرم، عبادت، فقر، کینه ورزی، عزلت، فناعت، عیب جویی، محبت و خاموشی؛ که همه را در غالب تمثیل مزین ساخته است. موضوعاتی که بینش در این مثنوی به آن پرداخته، شباهت زیادی به اخلاق و حکمتی است که در گلستان سعدی وجود دارد؛ ضمن آنکه تعریف از دو شهر «دهلی» و «کشمیر» نیز در این مثنوی صورت گرفته است.

#### ۴-۲- گنج روان

گنج روان در جواب اسکندرنامه و به نام اورنگ‌زیب است. آغاز آن:

به نامی که عالم گلستان اوست      به گنج روان فلک شان اوست

(همان، ۴۴: ر)

این مثنوی به عنوان دومین مثنوی در خمسهٔ بینش جای گرفته‌است. مثنویهای بینش تقریباً مانند هم تنظیم شده. گنج روان نیز پس از حمد و سپاس خداوند، پیامبر اسلام (ص) را مدح می‌گوید و از معراج وی سخن می‌آورد. در این مثنوی سه تمثیل وجود دارد؛ همچنین شاعر به توصیف شهرهای کرمان و کاشان نیز پرداخته‌است و البته آن دلیلی بر مسافرت کردن شاعر به آن شهرها به حساب نمی‌آید. احتمال دارد شاعر به خاطر مدح میرزا محمد قاسم کرمانی و میرجمشید کاشانی، که زادگاه آنان کرمان و کاشان بوده، وصف آن شهرها را آورده باشد. بینش در چهار بخش از این مثنوی، چهار فصل را توصیف کرده‌است.

همچنین بینش در ساقینامه نویسی نیز دستی داشته و ۱۵۰ بیت از مثنوی گنج روان را در بحر متقارب به ساقینامه اختصاص داده است و در پنج بخش آن را تنظیم کرده است: ۱- ساقینامه، ۲- خطاب به ساقی، ۳- خطاب با مطرب، ۴- تعریف میخانه، ۵- ستایش پیر می‌پرستان.

بینش بیت آخر این مثنوی را با ذکر نام خود به پایان می‌رساند:

به نام تو گنج روان شد تمام      که باشد ز نقد معانی به نام

#### ۴-۳- گلدسته

سومین مثنوی بینش، گلدسته، در برابر لیلی و مجنون و در وصف کشمیر و لاهور سروده شده که بدین بیت آغاز میشود:

گلدستهٔ بوسستان توحید      حمد است به چشم صاحب دید

(همان، ۸۶: ر)

ناگفته نماند که بینش، تنها وزن مثنوی لیلی و مجنون را برای سرودن این مثنوی به کار گرفته؛ هیچ داستان عشقی در گلدستهٔ بینش گنجانده نشده و تنها از آفریده‌های آفریدگار و ستایش آنها سخن به میان آمده است. همچنین بر خلاف مثنویهای دیگر شاعر، گلدسته بدون تمثیل سروده شده. شروع مثنوی با این بیت است:

گلدسته بوسنتان توحید حمد است به چشم صاحب دید  
این مثنوی شامل ۲۸ بخش است و همچون دیگر مثنویهای شاعر، پس از حمد و ثنای  
پروردگار و مدح حضرت رسول(ص)، نام و صفات خلفای راشدین را برشمرده؛ سپس نام  
اورنگ‌زیب را آورده و به مدح او پرداخته‌است. علاوه بر آن، در این مثنوی، شاعر به توصیفات  
از اجرام آسمانی پرداخته‌است: همچون وصف خورشید عالم‌تاب، ماه عالم‌آرا و سپس زمین  
را به عنوان نقطه قلم صنع آورده و کعبه را قبله‌گاه زمین و آسمان میخواند و نیز، آتش را  
چراغی برای فروزش جهان.

بینش در این مثنوی در ستایش حضرت خضر، آدم و ابراهیم اشعاری آورده و عشق و عقل  
را میستاید و از چهار عنصر (آب، باد، خاک، آتش) به زیبایی سخن میگوید. توصیفات  
از شهرهای کشمیر، پنجاب و لاهور نیز در این مثنوی آمده‌است.

#### ۴-۴- شور خیال

بینش چهارمین مثنوی خود را در برابر خسرو و شیرین و به همان وزن هزج مسدس  
محدوف سروده است. موضوع آن، بیان سرگذشت عاشقانه دو دلداره بنارسی است و ستایشی  
هم از اصفهان. (تاریخ ادبیات ایران، ۵/۳، ۱۳۶۸: ۱۳۲۲)  
این مثنوی با این بیت آغاز میشود:

خداوندا ز شور دل خرابم نمک پرورده چون مرغ کبابم  
شور خیال هم یک داستان تمثیلی است که به قصد برتری دادن دین اسلام بر دیگر ادیان  
سروده شده‌است. در این داستان بینش به زیبایی تمام، جنگ میان کفر و ایمان را به تصویر  
کشیده که در نهایت به پیروزی اسلام ختم میشود. داستان اصلی این مثنوی چهار بخش  
دارد. در ۲۱ بیت تعریف دختر هندو، ۳۲ بیت در توصیف دریا، ۴۱ بیت وصف گرداب و در  
۳۷ بیت که قسمت پایانی داستان است، با منازعه میان هندوان و مسلمانان، داستان را به  
پایان میرساند. بطور کل این مثنوی ۱۴۸۲ بیت دارد. ده تمثیل در آن آورده شده و در هر  
تمثیل موضوعی بیان میشود. از کل ابیات این مثنوی، ۱۳۱ بیت آن مختص به داستان اصلی  
است و مابقی اشعارش همچون مثنویهای دیگر، در حمد و ثنای پروردگار و رسول گرامی،  
چهار خلیفه و اورنگ زیب و .. آمده است.

#### ۴-۵- رشته گوهر

پنجمین مثنوی از خمسهٔ بینش، رشتهٔ گوهر است که شاعر وزن آن را به تقلید و در برابر هفت‌پیکر نظامی، در بحر خفیف سروده‌است. «فاعلاتن مفاعلن فعلمن».

نتوان یافت در خزینهٔ شاه رشتهٔ گوهـری چو بسم الله  
(همان، ۱۰۰: ۱۰)

این مثنوی ۱۰۴۱ بیت دارد و شروع آن با براعت استهلال است و شاعر از مجموع ۳۴ بیت آغازین مثنوی، در ۳۱ بیت لفظ «گوهر» را التزام کرده و به کرات نام مثنوی خویش را، چه به وضوح و یا ابهام آورده‌است و در اواخر مثنوی نیز از خمسه اش با تفاخر یاد میکند؛

یارب این خمسه بی قرین باشد تا سخن هست این چنین باشد  
بینش این مثنوی را نیز به روال دیگر مثنویهای خود، با حمد و نعت و مناجات به درگاه رب العالمین و مدح و ستایش پیامبر(ص) و وصف شب معراج و براق و منقبت خلفای راشدین و پادشاه وقت آغاز کرده و در ادامه، تمثیلهایی در باب صفت دنیا و قضا و قدر آورده‌است. یکی از ویژگیهای این مثنوی بینش، یادکرد از شهرهای مازندران همچون ساری، اشرف، فرح آباد و رستم‌دار، آمل، بارفروش و صفی آباد است. علاوه بر آن از شهرهای اصفهان، تبریز، همدان، قم، کاشان، ساوه، قزوین، ری، تهران، اردبیل، گنجه، سبزوار، نیشابور، مشهد، قائن، کرمان، سیستان، هرات، قندهار، رشت، لاهیجان، استرآباد و فرح آباد، نام برده‌است. و او خود این پنج اثر را خمسه نامیده و در پایان رشتهٔ گوهر چنین گفته‌است:

یارب این خمسه بی قرین باشد تا سخن هست این چنین باشد  
(تاریخ ادبیات ایران، ۵/۳: ۱۳۲۲)

#### ۴-۶- جواهرنامه

در دایره‌المعارف ایرانیکا جلد ۴ و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۳، از مثنوی دیگری به غیر از خمسهٔ بینش، نام آورده شده به نام جواهرنامه. گویا این مثنوی در مدح اورنگ زیب و وصف تبریز و بغداد سروده شده است. لازم به ذکر است که این مثنوی، به مانند پنج مثنوی دیگر شاعر، در کلیات نسخهٔ کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا دیده نشد.



#### ۴-۷- غزلیات

دیوان شعر بینش که شامل غزلیات و قصاید شاعر است، ۳۶۹۸ بیت دارد؛ ۲۱۸۷ بیت آن را غزلیات تشکیل داده و مابقی آن، قصاید شاعر است. بطور کل، زبان شعری بینش به دور از پیچیدگیهای سبک هندی است. با آنکه وی در محدوده زمانی سبک هندی ظهور کرده، ولی میل و علاقه او به سبک عراقی بیشتر است. سلوک شاعری نظامی، حافظ و سعدی در شعر او کاملاً مشهود است. بسامد بالای واژگانی چون: عشق، عاشق، معشوق، دل، تیر، مژگان، چشم، سرمه، لب، قلب، سینه، داغ، شوخ، فریب، بی‌وفا، ناز، شراب، مست، آینه، بخت، فلک، غم، زندگی، سوز، اشک و ... تم و درون‌مایه اصلی غزلیات بینش کشمیری را تشکیل داده و حاکی از حضور عشقی زمینی در شعر و اندیشه شاعر است. عشقی که با تنپوشی نگارین از عاطفه، خیال و احساس، در قالب گله و شکایت از فلک، معشوق، غم و فراق یار و ترک تعلقات در راه رسیدن به معشوق نمود پیدا کرده است.

معشوق بینش، معشوقی است که میتواند مظهر تمام‌نمای زیبایی در دل هر فرد عاشق-پیشه باشد. «غزل‌هایش که قسمت عمده دیوان او را تشکیل میدهد، بیشتر در جواب غزل‌های فارسی پس از زمان سعدی سروده شده‌اند» (انوشه، ۴: ۵۶۸).

#### ۴-۸- قصیده

آنچه که بینش در قصاید خود سروده، گویای احترام وی، بر دین و مذهبش است. چراکه بیشتر اشعار خود را به ستایش شخصیت‌های دینی اختصاص داده. قصیده ششم در نعت و منقبت حضرت رسول (ص) قصائد سوم و پنجم برای حضرت علی (ع) و قصائد اول و دوم در مدح امام رضا (ع) سروده شده اند.

#### ۵- سطح زبانی شعر بینش

#### ۵-۱- مشکول بودن برخی از کلمات

همچنین مشکول بودن برخی از کلمات در دیوان بینش باعث گشته که شکل آواها و یا واژگان آن حفظ شود که از جمله خصیصه‌های این نسخه‌اند و از نظر تحقیق در صورت زبان مؤلف، کاتب، تاریخ زبان و گونه‌های آن حایز اهمیت است. واژه‌های (سَلی) (سیلی): ۱۴۹، مَی: ۱۲۲، نَی: ۱۶، مَیگون: ۲۵، شَبینم: ۳۶، زندوگانی: ۲۵۱، جوش (گوش): ۵۶، سَینه: ۲۵، دوکان: ۲۳۸، سَیر: ۵۸ و ... که نمایانگر حضور لهجه دری در زبان مردمان عصر گورکانی است.

### ۵-۲- واژگان و افعال کهن در شعر بینش

از دیگر مختصات شعری بینش، میتوان به کارگیری برخی واژگان و افعال کهن را در شعر وی نام برد. از جمله آنها: (غازه: ۲۲۰، جمازه: ۲۲۰، جرس: ۲۲۰، داه: ۷، درا: ۸۳، داج: ۷۸، داو: ۲۴۶، جحیم: ۹۳، گرده: ۲۵، بهله: ۵۴، ثوابت: ۱۰۷، خط نسترده، و ابرش و ...).

تو بینش از قمار عشق بازی نیستی واقف      که در یک داو اول دین ودل را باختی رفتی  
(۲۴۶- ر)

تواند خون من گلگونه رخسار خنجر شد      که باشد جوهر شمشیر او را غازه مزگان  
(۲۲۰- ر)

بینش فکنده طالع ما سایه در جهان      این تیرگی نشانه ز شبهای داج ماست  
(۷۸- ر)

گل جحیم ز خاک بهشت سبز نگردد      یزید امر محال است بایزید برآید  
(۹۳- پ)

### ۵-۳- لغات و ترکیبات خودساخته

انواع ترکیبات زبانی چون کلمه مرکب، ترکیب وصفی و ترکیب اضافی در شعر بینش باعث غنا و قابلیت حیرت آوری برای خلق معنی و خلق تصویر شده است. همچنین شاعر علاوه بر موارد ذکر شده، از لغات و ترکیبات خود ساخته‌ای استفاده کرده که از ویژگیهای سبکی وی شمرده میشود. مانند استفاده از «تاک» در ساختن واژههای ترکیبی، شاید حاکی از علاقه شاعر به میوه آن درخت باشد و آن در بسیاری از غزلهای وی که در وصف شراب سروده شده، نمایان است (قلم تاک: ۱۲۰، برگ تاک: ۸۰، مژه تاک: ۱۲۷).

باده ناب ز رشک لب شیرین سخن است      عرق شرم شد و از مژه تاک چکید  
(۱۲۷- پ)

همچنین: (نمک‌چش: ۴۲، صحت‌آرای: ۳۶، هنگامه‌آرا: ۸۸، عطارد رای: ۱۹۲، حوصله-پرداز: ۲۵۲، هنگامه‌پرداز: ۲۴۶، ناله‌پرداز: ۱۹، شکوه‌پرداز: ۱۰۵، قدرانداز: ۱۱۰، انداز تماشا: ۱۷۱) و با برخی کلمات، تعبیرات نوی آفریده است: (نازپیما: ۲۱۰، تیغ ناز: ۱۹۶، دشت ناز: ۱۲۸، شمشیر ناز: ۱۰۶، شوخی ناز: ۲۴۹، سلسله ناز: ۴۸، خدنگ ناز: ۱۶۲ و ..).

دیده‌ای نیست که حیران تماشایی نیست  
از نگه آینه را حوصله‌پرداز توپی  
(۲۵۲-ر)

نگه هنگامه‌پرداز و تغافل گرم خونریزی  
چه خوش بر قلب دل‌های پریشان تاختی رفتی  
(۲۴۶-ر)

دل گرفتار به مژگان تو ناساز مباد  
هیچ صیدی به کمین قدر انداز مباد  
(۱۱۰-ر)

ندارد سرخوشی هنگامه‌آرایی در این گلشن  
که بلبل توبه از می کرد و گل دفتر نمی‌سازد  
(۸۸-ر)

نمک‌چش شب هجر است بی رخ تو مرا  
به دیده سوده‌الماس اگر بود مهتاب  
(۴۲-ر)

هر نفس میکشم از خواهش دل‌آرایی  
ناز پیما ز بلایی است که من میدانم  
(۲۱۰-ر)

هر که میبیند تو را با سرو یکجا در چمن  
عشرتی در سایه عیشش دوبالا میکند  
(۹۵-پ)

رخنه‌شده استخوانم پای تا سر همچو موج  
از خدنگ ناز ای غافل چه میپرسی مپرس  
(۱۶۲-ر)

#### ۵-۴- وزن و موسیقی

الف) وزن: با توجه به بررسی اولیه اشعار بینش، به نظر میرسد که پرکاربردترین بحر دیوان وی را بحر رمل تشکیل میدهد. گویا بینش کشمیری این بحر را که به دلیل برتری هجاهای بلند بر کوتاه، دارای ریتمی آرام و ملایم است، مناسبترین بحر برای بیان مفاهیم عاطفی خود یافته است و همچون شاعر پرآوازه شیراز، حافظ، بحر رمل مثنی‌مخبون محذوف (فعلاتن فعلاتن فعلن) را بیش از دیگر اوزان به کار گرفته و این وزن را که به دلیل

چینش هجاها از وقار خاصی برخوردار است، برای بیان مضامینی از نوع اندوه ناشی از فراق و درد عشق مناسب یافته است.

ب) قافیه: قافیه نیز از جمله عوامل موسیقی‌آفرین شعر است. با بررسی در اشعار شعرای سبک هندی همچون بابافغانی، نظیری نیشابوری، عرفی شیرازی، ظهوری ترشیزی، کلیم کاشانی، بیدل دهلوی و صائب، گویا بینش تنها شاعر سبک هندی است که تکرار قافیه را که دیگر شعرای این سبک، در به کارگیری آن محدودیتی نداشتند، نمی‌پسندیده و بالعکس کاملاً سنتگرا بوده تا جایی که تکرار قافیه در هیچ یک از غزلهایش صورت نگرفته.

ج) ردیف: ردیف در شعر بینش از تنوع بالایی برخوردار است و انواع ردیف را در شعر وی میتوان دید (ردیفهای فعلی، اسمی، حرفی، صفتی و قیدی، ضمیری، جمله و شبه‌جمله) و در این میان بیشترین راه، ردیفهای فعلی تشکیل میدهد. این نوع ردیفها به علت حرکت و پویایی بالایی که دارد، شعر را از سکون و پویایی که دارد، دور میکند؛ چراکه بسیاری از ردیفهای فعلی شعر بینش، فعلهای مضارع هستند. کاربرد فراوان این نوع فعل، نشان توجه شاعر به زمان حال است. او نیز همچون شاعرانی بزرگ، مثل حافظ، زمان حال را بر ماضی و مستقبل ترجیح داده و همچون عارفان، حال را غنیمت شمرده و کمتر به گذشته و از دست رفته‌ها اندیشیده است. از سویی دیگر، افعال مضارع توسعه زمانی دارند؛ هم بر حال دلالت میکنند و هم بر آینده، بنابراین امکان کاربردشان از افعال دیگر بیشتر است.

#### ۶- سطح فکری شعر بینش

#### ۶-۱- حضور فرهنگ ایرانی در شعر بینش

«در کلمات و اصطلاحات، جمله‌بندیها و تشبیهات و استعارات شعر وی، همه ایرانیت کارفرماست و در هیچ موقع هرگز معلوم نمیشود که این اشعار از شاعر کشمیری است؛ کشمیری که سرزمین ایران را حتی از دور هم ندیده است. بینش چند شعری به طرز تمثیل سروده و در آنها صنعت مراعات‌النظیر و صنایع دیگری را به طوری بسادگی بکار برده که چاشنی و رنگینی و جاذبیت خاصی به وجود آمده است» (مجموعه سخنرانیهای نخستین سمینار پیوستگیهای فرهنگی ایران و شبه‌قاره: ۳۲۰ و ۳۲۱).

بر دیده دریادل من پل نتوان بست چشم و دل بینش بود این رود ارس نیست (۶۱- پ)

- گرفته بی کمر ناز کی دلم بینش      که باز دوری او همچو کوه الوند است  
(۵۳-پ)
- ز بس بینش به پرواز نشاط از شوق شیرازم      پر پروانه و شاه چراغم میتوان گفتن  
(۲۱۵-پ)
- خاک کشمیر از دعاگویان کرمان بس که شد      چون لسان الارض دارد خواهش مدحتگری  
(۱۹۶-ر)

#### ۶-۲- نمود دانشهای بینش در اشعارش

غزلها و قصاید دلنشین بینش، نشان از تسلط و اشراف او به علوم مختلف بویژه فرهنگ قرآن، قصص انبیاء، نجوم، مباحث اساطیری و تاریخی دارد. دیدگاه ژرف، باریک بینی، مضمون آفرینی و تخیل قدرتمند بینش در آفرینش صور خیال، چیرگی و ورزیدگی وی در هماهنگی میان قالب و محتوا، گیرایی شعر وی را صدچندان کرده است:

- گل جحیم ز خاک بهشت سبز نگردهد      یزید امر محال است بایزید برآید  
(۹۳-پ)
- تو ای منصور تنها از انالحق نیستی رسوا      که باشد خودنمایی برفراز دار هم بودن  
(۲۲۶-ر)
- برای بزم تو جمشید اگرچه ساغر ساخت      به رونمایی تو آینه را سکندر ساخت  
(۷۵-پ)
- از حرف پوچ مغز سر آدمی خوردند      مار زبان خلق کم از مار دوش نیست  
(۵۸-ر)
- خال او را کوب اقبال خود دانسته‌ام      در جهان اخترشناسی نیست چون من تنگبخت  
(۴۹-پ)

#### ۶-۳- موتیف و تداعی معانی تازه

بسیاری از موتیفهای شعر بینش، مانند آوردن واژههای نقش، شور، رگ، شوق، به وفور و ترکیب آن با واژههای دیگر در اشکال مختلف؛ باعث خلق ترکیبها و تصاویر تازه و دلکش گشته است؛

عشق میگفت به منصور که ای کشته شوق در حق خویش کسی همچو تو غماز مباد  
(۱۱۱- پ)

خال روشن از صفای غبغبش چون مه شده یوسف از شوق زخاندانش نهان در چه شده  
(۲۳۷- پ)

از تعلق چو نسیم سحری آزادم بوی گل ساخته شوق رخ جانانه مرا  
(۳۰- ر)

بود وصول ترا جا به دیده بینش چو کاغذی که بود نقش آفتاب در او  
(۲۳۴- ر)

#### ۴-۶- توجه به مسائل اخلاقی

بینش عارف مسلک نیست، اما رد پای ظریف از عرفان و نگاهی عارفانه با اشعار وی پیوند  
خورده است. وی با به کارگیری اندیشه و آرای خود، همچنان به مسیر شاعری و عاشقی خود  
ادامه داده و با بیانی صریح، شیوا و آمیخته به عرفان، اندرز و مضامین اخلاقی را در خلال  
شعر خود، جا داده است:

عزت ایام بی‌زحمت نمی‌آید به دست سنگ بت گردد به خود بیند چو زخم تیشه را  
(۱۸- ر)

هرکس که رسد دیده خود فرش رهش کن چون آینه شرمنده مهمان نتوان بود  
(۹۴- ر)

#### ۵-۶- حافظ در شعر بینش

برخی کلمات و ترکیبات شعر وی همچون: پیرمغان: ۱۴۱ پ، محتسب: ۱۱ پ، حرم: ۴۶  
ر، میکده: ۱۴۰ ر، ساقی: ۷۶ ر، ساغر: ۷۲ ر، پیمانہ: ۲۱۳ پ، می: ۲۱۰ ر، مستی: ۲۳۶ ر،  
شراب: ۱۹۵ پ، بوالهوس: ۱۶۷ پ، کعبه: ۱۱۸ ر، مسجد: ۱۴۲ ر، بتخانه: ۴۹ پ، خرابات:  
۴۶ ر، خرقه: ۱۲۸ ر، زاهد: ۴۶ ر، زند: ۳۱ پ، میخانه: ۲۸ ر، صوفی: ۷۸ ر، صومعه: ۱۶۹ پ،  
خانقاه: ۱۳۱ پ، شیخ: ۴۶ ر و .. تداعیگر مضامین اشعار حافظ است و وزن و ردیف آنها، آب  
و رنگ غزلهای این شاعر بزرگ را به ذهن متبادر میکند:

روشی دیده‌ام از مردم دنیا که می‌رس  
دارم از شیوه این قوم خبرها که می‌رس  
(۱۱۶-ر)

که چنان زو شده‌ام بی‌سروسامان که می‌رس  
دارم از زلف سیاهش گله چندان که می‌رس  
(دیوان حافظ: ۳۶۶)

عشق دارد فلک دیگر و سیار دگر  
کرده سرگشته مرا گردش پرگار دگر  
(۱۱۲-ر)

گر بود عمر به میخانه رسم بار دگر  
به‌جز از خدمت رندان نکنم کار دگر  
(دیوان حافظ: ۳۴۰)

#### ۷- سطح ادبی شعر بینش

شعر بینش، به لحاظ کاربرد درست صنایع ادبی، از شعرای دیگر مستثنی نیست. به اقتضای ادبی بودن متن، میتوان در همه قالبها از صنایع ادبی شعر شاعر، نمونه‌هایی آورد که در این پژوهش از ذکر آن خودداری شده است و تنها از صنایعی یاد شده که از بسامد بالایی برخوردار است و جزو ویژگیهای سبکی شاعر نیز به حساب آید. در یک نگاه مختصر، به مصداق( مشت نمونه خروار ) به آن پرداخته میشود.

#### ۷-۱- ایهام

ایهام تناسب از زیباترین و هنریترین مواردی است که شعر بینش را به ظرافتهای شعر حافظ نزدیک میکند؛

از خنده لب او ز دلم شور برآورد  
تا غم نمکی تازه کند بر سر خوانم  
(۱۸۸-ر)

سر زد ز لب لعل تو مانند نگین خط  
در قلعه یاقوت نشد ثبت چنین خط  
(۱۷۴-ر)

مگر ای اشک در چشم به روی او نظر کردی  
که چون گوهر ترا از آبرو سرشار مبینم  
(همان ۲۰۶)

### ۷-۲- تناسب

توجهی که بینش به ایجاد تناسب در شعر نشان داده، بسیار است و اغلب این تناسبات ساده و طبیعی بوده و معمولاً هم در جهت لفظ است و هم معنا.

گاه چشم و گاه ابرو گاه مژگان میشود      فتنه در هر جا به یک‌رنگی نمایان میشود  
(۱۱۵- پ)

### ۷-۳- تضاد

صنعت تضاد به نوعی بازی با واژه‌هاست و از خانوادهٔ تناسب محسوب میشود و بر خلاف شعرای سبک هندی که بر لفظ اهمیتی قائل نبودند، بینش برای چیدمان واژه‌ها وقت بیشتری گذاشته است. این صنعت بوفور در شعر بینش به کار رفته؛ تا جایی که در یک غزل کامل، تقریباً در همهٔ ابیات آن، شاهد استفاده از این صنعت هستیم؛

روز و شب ما را بود پست و بلند روزگار      پشت و روی کار صبح و شام ایام است و بس  
(۱۶۰- ر)

کام و ناکام به هر نیک و بدی ساخته‌ایم      که مرا زهر غم و لذت نوش تو یکیست

### ۷-۴- تشبیه

استعمال تشبیه در شعر بینش به نوعی نشان دهندهٔ حرکت وی به سمت اعتدال است. به همین خاطر شعر وی به نسبت دیگر شاعران سبک هندی که ترکیبات و تشبیهات ذهنی و انتزاعی خلق میکردند، شفافتر، ابهام‌گریزتر و معتدلتر است.

تو بینش از قمار عشقبازی نیستی واقف      که در یک داو اول دین و دل را باختی رفتی  
(۲۴۶- ر)

بر داغهای سینه نظر کن که چون غمت      بر شیشهٔ خانهٔ دل ما ریخت سنگها  
(همان: ۴۴ ر)

همچنین کاربرد تشبیهات مرکب، به منظور روشنتر شدن مفهوم، به وفور در شعر بینش دیده میشود:



ندیدم در وطن یک لحظه آسایش چو آن مرغی      که بر شاخ کجی بندد به گلشن آشیانش را  
(۲۲۷-پ)

#### ۷-۵- کنایه

در شعر بینش کنایه هایی که به صورت فعل و ترکیبات فعلی ساخته شده اند از بسامد بالایی برخوردارند و اغلب آنها به شکل کنایات ایهامی-استعارای بکار رفته اند. به کام گشتن، نقش بر آب زدن، جان به لب آمدن، گل کردن، چشم دوختن، دست رد بر سینه زدن، دست به دامان کسی شدن، جگر کسی سوختن، تن به کاری دادن، دل بردن، با کسی دست و گریبان شدن، سایه بر جایی افکندن، خاک بر سر کردن، خاک بر دیده کردن، دست رد بر سینه زدن، بر باد دادن، جان به لب آمدن، دل برداشتن، یک چشم زدن، از نظر انداختن، از آب خوردن آسانتر، هوای کسی را داشتن و بسیاری دیگر..

فلک گویا به کام چشم بیمار تو میگردد      که از هر گردش او حلقه ماتم شود پیدا  
(۲۲۴-ر)

جگرم سوخت ز بس یاد لب او کردم      شوری این نمک آتش به کباب اندازد  
(ت: ۶۰)

#### ۷-۶- تلمیح

تلمیح معنایی گسترده، به وسعت فرهنگ بشری دارد. اشراف بینش به تلمیحات اساطیری و اشارات قرآنی و روایی، فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و اسلام، از ویژگیهای بارز شعر اوست و بینش در شعر خود، از این قابلیت به بهترین وجه بهره برده است؛

توای منصور تنها از اناالحق نیستی رسوا      که باشد خودنمایی بر فراز دار هم بودن  
(همان: ۲۲۶ر)

با حرف پوچ مغز سر آدمی خورند      ماز زبان خلق کم از ماردوش نیست  
(همان: ۵۸ر)

#### ۷-۷- پارادوکس

با یک بررسی آماری کوتاه، اغلب پارادوکسهای بینش در حوزه خیال و رویارویی عناصر زبانی و تصویری حاصل میشود و قابل اثبات است.

موباز کرده مردم چشمم ز موج اشک خوش ماتمی ز دوری دلبر گرفته ام  
(۲۰۷- پ)

دل درون سینه ام بینش بود نقشی بر آب کرده ام از گورد ویرانی بنا این خانه را  
(همان: ۱۰۰ ر)

#### ۷-۸- اغراق

اصولا شاعران تجریدگرا، اغراقهای شعریشان نیز، تجریدتر و انتزاعیتر است؛ اما همانطور که اشاره شد اغراقهای شاعری اعتدالگرا مانند بینش، عموما حسی، ساده و ملموس است.

به چشمم شورشی از شکوه پنهان شود پیدا نفس از دل چودریا گر کشم طوفان شود پیدا  
(۵- پ)

#### ۷-۹- تمثیل و اسلوب معادله

یکی از مهمترین شاخصه های شعر بینش، تمثیل و اسلوب معادله است:

مرد کامل را به اصل خود بود نسبت تمام نکته گل بیشتر باشد گلاب کهنه را  
(همان: ۲ ر)

#### ۸- نتیجه گیری

بینش کشمیری در محدوده زمانی سبک هندی ظهور کرده؛ اما میل و علاقه او به سبک عراقی بیشتر است. اشعار دلنشین بینش، نشان از تسلط و اشراف او به علوم مختلف بویژه فرهنگ قرآن، قصص انبیاء، نجوم، مباحث اساطیری و تاریخی است. بینش علاوه بر دیوان شعر که شامل غزلیات و قصاید شاعر است، شش مثنوی نیز از وی به یادگار مانده: (بینش ابصار، گنج روان، شور خیال، گلدسته، رشته گوهر و جواهرنامه). سرآغاز مثنویهای بینش با حمد و ثنای پروردگار و توصیف از شب معراج حضرت رسول آغاز میشود. برخی مانند مثنوی «بینش ابصار» موضوع آن، اخلاق و حکمت است. در مثنوی «شور خیال» برخی گیاهان دارویی و صفات و ویژگیهای مخصوص آن را ذکر کرده است. در مثنوی «گنج روان» شاعر به توصیف شهرهای کرمان و کاشان پرداخته؛ همچنین بینش در ساقینامه نویسی نیز دستی داشته که قسمتی از مثنوی گنج روان به آن اختصاص دارد. در مثنوی «گلدسته»، شاعر به توصیفاتی از اجرام آسمانی پرداخته است. «شور خیال» را به قصد برتری دادن دین مبین اسلام بر دیگر ادیان سروده. مثنوی «رشته گوهر» یادکرد از شهرهای مازندران همچون ساری،

اشرف، فرح آباد و رستم‌دار، آمل، بارفروش و صفی آباد و بسیاری دیگر است و آخرین آن، «جواهر نامه» که در مدح اورنگ زیب و وصف تبریز و بغداد سروده شده است. «غزل» بینش بر خلاف مثنویهای شاعر، با حمد و ستایش پروردگار آغاز نمیشود و در همه آن، تخلص «بینش» ذکر شده است. «قصایدی» که بینش سروده، گویای احترامی است که شاعر بر دین و مذهبش قائل بوده. او نیز همچون شاعرانی بزرگ، مثل حافظ، زمان حال را بر ماضی و مستقبل ترجیح داده و همچون عارفان، حال را غنیمت شمرده و کمتر به گذشته و از دست رفته‌ها اندیشیده است. ایران‌گرایی و ایرانی‌سرایبی، در اشعار بینش موج میزند که نشان از علاقمندی و تمرکز شاعر به سرزمین آبا و اجدادش است. شعر بینش به لحاظ زبانی، فکری و ادبی نیز بررسی شد و تبیین گردید بینش کشمیری شاعری صاحب سبک است، اما ناشناخته. زبان شعری بینش به دور از پیچیدگیهای سبک هندی است. سلوک شاعری حافظ در شعر او کاملاً مشهود است. فضایی که بر غزلیات بینش حاکم است، حاکی از حضور عشقی زمینی در شعر و اندیشه شاعر است که با تن‌پوشی نگارین از عاطفه، خیال و احساس، آغشته به سوزگدازهای دل‌انگیز عاشقانه در فراق و بی‌وفایی معشوق و گاه با ترک تعلقات در راه رسیدن به معشوق نمود پیدا کرده است. تسلط و ورزیدگی شاعر در هماهنگی میان قالب و محتوا تا بدان پایه است که چه به جهت زبان رسا و فصیح و چه از لحاظ ساختمان و شکل درونی شعر و چه از حیث موسیقی و تخیل، میتوان شعر او را در ردیف سرآمدان و نام‌آوران و صاحب‌سبکان شعر سبک هندی قرار داد.

### منابع و مأخذ

- ۱- تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوسی، تهران، جلد ۵، چاپ دهم، ۱۳۷۸.
- ۲- تذکره مخزن‌الغرائب، شیخ احمد علی‌خان هاشمی سندلوی، به اهتمام محمد باقر، لاهور، ۱۹۶۸ م.
- ۳- تذکره مغولان در هند، دارا نوسروانجی مارشال، ترجمه حسین برزگر کشتلی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
- ۴- دیوان کامل غزلیات حافظ، به کوشش خطیب‌رهبر، انتشارات صفی‌علیشاه، تهران، ۱۳۷۵.
- ۵- تذکره مجمع‌التفایس، علی‌خان سراج‌الدین (آرزو)، به کوشش دکتر زیب‌النساء علی‌خان (سلطان علی)، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان (ذیل آرزو)، جلد اول، ۱۳۸۳.
- ۶- فرهنگ واژه‌نمای حافظ به انضمام فرهنگ بسامدی، مهین‌دخت صدقیان، فرهنگ، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۶.
- ۷- مجموعه سخنرانی‌های نخستین سمینار پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه‌قاره، ۱۳۷۲.
- 8- Rieu, Ph.D, Charls. Catalogue of The Persian Manuscript in The British Museum, keeper of the oriental mss volume 2, published by the Trustees of the British museum, London, 1966.
- 9- Maulavi Abdul Muqtadir Khan Saheh Calcutt the Bengal. Catalogue of the Arabic and Persian Manuscripts. in the oriental public library Bankipore. secretarial book depot 1912.
- 10- Yarshater, Ehsan. Routledge, Kegan Paul. Encyclop/Edia Iranica. Bayju-carpets, Volume 4. London and New York, 1990
- 11- Ashraf, M., Catalogue of Persian Manuscripts in the Salar Jung Museum and Library, Hyderabad, 1969
- 12- Bankipore; Iranica; Kayumov, Katalog fonda instituta rukopisej, Tashkent, 1988 -
- 13- Semenov, A. A., Sobranie vostochnykh rukopisej akademii nauk Uzbeksko|SSR, Tashkent, 1954.